

نه تحریم! نه جنگ! نه ریاضت‌کشی! نه دیکتاتوری!
بیانی‌یه‌ی نشریه‌ی کمونیستی «مبارزه طبقاتی»

org.mobareze

بار دیگر ایران تیتر رسانه‌های جهان شده است و چونان که مردم ما عادت کرده‌اند این خبر خوبی برای ما نیست! ایران هدف پرخاشگری امپریالیست‌ها شده است و طبل جنگ‌افروزی علیه این کشور از هر سویی نواخته می‌شود. دولت اسرائیل ایران را تهدید به حمله هوایی کرده است و در ماه‌های گذشته پاره‌ها و پاره‌ها مقامات مختلف این کشور چنین احتمالی را مطرح کرده‌اند. در رقابت بر سر انتخاب نامزد جمهوری‌خواه‌ها در انتخابات آمریکا می‌بینیم که همه‌ی نامزدها (به جز ران پل، که نوعی دیگر از ارتجاع را نمایندگی می‌کند) دم از حمله به ایران می‌زنند.

در این اوضاع وظیفه مارکسیست‌ها پیش از هر چیز تعریف و تبیین چرایی اوضاع و نشاندن دادن منافع اقتصادی و سیاسی طرفین درگیر است.

ما باید اول تاکید کنیم که اردوی امپریالیست‌ها یک‌دست نیست و بخش‌های مختلف هیئت حاکمه‌ی کشورهای مختلف منافع مختلفی را دنبال می‌کنند. به نظر می‌رسد اسرائیل مصمم است به نوعی یورش علیه ایران انجام دهد (به دلایلی که در زیر به آن می‌پردازیم). در نتیجه آمریکا، که خود تحت دولت کنونی لزوماً علاقمند به شروع جنگ در حال حاضر نیست، نیز مجبور است به حمایت از متحد اصلی خود در منطقه و دفاع از منافع مشترک‌شان قدم‌هایی در این جهت بردارد.

امپریالیست‌ها چند دلیل اصلی برای تنگ کردن حلقه‌ی محاصره بر ایران دارند. اسرائیل به دلایل مختلف احساس می‌کند جایگاه خود در منطقه را از دست داده است. رشد انقلاب عرب و سرنگونی رژیم‌های طرفدار غرب، احتمال عروج دولت‌هایی با نوعی اسلام‌گرایی میانه که پیوند دیپلماتیکی با جمهوری اسلامی برقرار می‌کنند، عدم حمایت یک‌جانبه‌ی دولت اوباما از همه‌ی برنامه‌های دولت اسرائیل و مردد بودنش در ورود به عرصه‌ی جنگ‌افروزی از این دلایلند. دلیل دیگر و شاید مهمترین دلیل، اوج گرفتن جنبش‌های کارگری و ضدسرمایه‌داری در خود اسرائیل است. این جنبش‌ها البته محدود به اسرائیل نیستند و در پیامد بحران سرمایه‌داری که از سال ۲۰۰۸ آغاز شد در سطوح مختلف شکل گرفته‌اند و در تابستان گذشته، در بعضی کشورها از جمله اسرائیل شدیداً اوج گرفتند.

تحریم‌های اقتصادی که امپریالیست‌ها بر ایران تحمیل کرده‌اند بیش از هر چیز گلو‌ی مردم ما را می‌فشارند و زندگی مردم ایران را بیش از پیش با دشواری مواجه کرده‌اند. در عین حال امپریالیست‌ها می‌کوشند با جنگ‌افروزی در خارج، توجه توده‌ها و کارگران خود را از رشد نابرابری داخلی و بالاگرفتن نبردهای طبقاتی پرت کنند.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی و دولت کودتای خامنه‌ای-احمدی‌نژاد پس از فرونشستن امواج انقلاب ۸۸، سلطه‌ی استبدادی خود را گسترش داده و با اعمال طرح‌هایی مثل «قطع یارانه‌ها» به معیشت مردم و کارگران حمله می‌کند. جمهوری اسلامی نشان داده که به هیچ وجه حکومتی مترقی یا ضدامپریالیست نیست و در واقع از این اوضاع استقبال می‌کند. این دو دشمن مردم،

جمهوری اسلامی و امپریالیست‌ها، در نگاه اول شاید مخالف یکدیگر به نظر برسند اما مقابله و گلاویز شدنشان به یک معنی به نفع هر دو است و هر دو چون نعمتی آسمانی از آن استقبال می‌کنند.

بخش‌های مختلف هیئت حاکمه در ایران با درجات سخن‌ورزی مختلف سعی می‌کنند غربی‌ها را تحریک کنند. یک سری‌شان به سفارت بریتانیا حمله می‌کنند و دیگران سریع به «غلط‌کردم» می‌افتند. یکی‌شان از بستن تنگه‌ی هرمز و قطع کامل جریان صدور نفت می‌گویند و دیگری سریع پس می‌گیرد. آنچه اما بین تمام آن‌ها مشترک است هراس بی‌پایان از اوج گرفتن دوباره‌ی جنبش انقلابی مردم است. آن‌ها گرچه می‌دانند که آماده‌ی مقابله نظامی با امپریالیست‌ها نیستند، و خواهان چنین سناریویی نمی‌باشند، دوست دارند با تحریک و بالا بردن تنش‌ها، از یک سو از غرب امتیاز بگیرند و از سوی دیگر مردم را از مقابله با خود باز دارند و توجه‌شان را به «دشمن خارجی» معطوف کنند.

در میان این دعوای بالای‌ها این مردم و زحمتکش‌ها هستند که ضربه می‌خورند.

در چند هفته‌ی گذشته شاهد عواقب این اوضاع برای مردم ایران بوده‌ایم: نوسانات شدید قیمت ارزهای خارجی، بالا رفتن قیمت احتیاجات روزمره‌ی مردم، تعطیلی بخش‌های عظیم از بنگاه‌های تولیدی و بیکارسازی‌های گسترده. نفس این‌که اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا، طرح تحریم بانک مرکزی را اعلام کرده است (پیش از این‌که این طرح حتی اعمال شود) باعث سقوط آزاد پول ایران شد که با تشدید تورم، باعث گرانی مایحتاج مردم می‌شود. حتی رئیس فراکسیون کارگری مجلس خود رژیم نیز مجبور است اعتراف کند: «الان هیچ موضوعی مهمتر از موضوع ارز و طلا نیست. بسیاری از کارخانه‌دارها به دلیل گرانی ارز و کاهش قدرت خرید مواد اولیه و هزینه‌های بالای حامل‌های انرژی، مجبور به تعطیل کردن واحد صنعتی خود شده‌اند. این موضوع باعث کاهش اشتغال و افزایش بیکاری نیز شده است.»

با این حساب، توده‌های زحمتکش ایران صاف و ساده جلوی چشمان خود می‌بینند که عاقبت حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی و سلطه‌ی امپریالیست‌ها در منطقه چیست: فقر و محرومیت، گرانی و بیکاری، استبداد و عدم امنیت. هرگونه تخاصم نظامی این اوضاع را بدتر از پیش می‌کند و فاجعه‌ی انسانی بزرگی برای ما خواهد بود.

ما مردم و کارگران باید علیه این اوضاع به میدان بیاییم.

اول از همه ما با صدای بلند اعلام می‌کنیم که امپریالیست‌ها حق دخالت نظامی در ایران و منطقه را ندارند. ما فریب حرف‌های «انسان‌دوستانه»ی آن‌ها را نمی‌خوریم. مردم ایران فراموش نکرده‌اند که این دولت‌های «دموکرات» و «انسان‌دوست» از استبدادی‌ترین دیکتاتوری‌های منطقه، از عربستان سعودی تا بحرین، وقتی مطابق منافع‌شان باشد دفاع می‌کنند. تمام حرف‌های آن‌ها علیه برنامه‌های هسته‌ای رژیم نیز چیزی به جز ریاکاری محض نیست. چطور می‌توان حرف کسانی چون آمریکا و اسرائیل که بزرگترین زرادخانه‌های هسته‌ای جهان را دارند در مخالفت با سلاح‌های هسته‌ای باور کرد؟ نه، این برای آن‌ها تنها بهانه‌ای برای دخالت در منطقه است.

ما در این نبرد تنها نیستیم. برادران و خواهران ما در غرب، جوانان و کارگران این کشورها، جنبشی علیه جنگ‌افروزی طبقه‌ی حاکمه‌ی خود به راه انداخته و با قاطعیت اعلام کرده‌اند: دست امپریالیست‌ها از ایران کوتاه! نه به تحریم‌های اقتصادی! نه به جنگ‌افروزی!

در بعد سیاسی این‌گونه عملیات نظامی تنها به تقویت دیکتاتوری حاکم در ایران کمک می‌کند که از طریق این جنگ می‌تواند «دشمن خارجی» برای خود دست و پا کند و مردم را علیه این دشمن خارجی متحد کند و علت فقر و بدبختی مردم را به دوش این جنگ یا طرف دیگرش بیندازد. اولین نتیجه حمله خارجی علیه ایران تضعیف مبارزه طبقاتی و تقویت رژیم ایران است. رژیم ایران دقیقاً روی چنین سناریویی حساب می‌کند. چنین رویدادی مسلماً موقتی خواهد بود و مبارزه طبقاتی در دور بعدی قطعاً با شدت بیشتر باز می‌گردد.

اما ما در ضمن خوب می‌دانیم که جمهوری اسلامی و حکومت دیکتاتوری خامنه‌ای و احمدی‌نژاد حامی منافع مردم ما نیستند. آن‌ها علیرغم همه‌ی سخن‌ورزی‌های خود علیه غرب، همیشه آماده‌ی معامله با امپریالیست‌ها برای ایجاد ثبات و سرکوب جنبش انقلابی داخل کشور هستند. دفاع از کشور در مقابل ارتش‌های امپریالیستی تنها به دست حکومتی ممکن است که منتخب دموکراتیک مردم و تحت اداره و کنترل توده‌های کشور باشد. مردم منطقه، از مصر تا سوریه، راه پیشروی را نشان داده‌اند: انقلاب علیه دیکتاتوری!

ما از خاطر نبرده‌ایم که این مردم ما بودند که در تابستان ۸۸ دور نوین جنبش‌های انقلابی در منطقه و جهان را آغاز کردند. جنبش وسیع انقلابی ما شش ماه تمام رژیم را زیر ضرب برد. در روز عاشورا، مردم تا پای سرنگونی رژیم رفتند و به اعتراف مقامات خود رژیم، کنترل پنج منطقه‌ی تهران را در دست داشتند. مردم ما از ندا تا سهراب، شهدای بسیاری دادند و هیچ چیز از دلاوری و فداکاری کم نگذاشتند. تنها فقدان رهبری شایسته و عدم پیوند با طبقه‌ی کارگر بود که باعث فرونشستن جنبش شد. جوانان انقلابی باید با درس گرفتن از آن رویدادها، به هیچ چیز جز نیروی خود اتکا نکنند و رهبری مستقل انقلابی را بسازند. این رهبری باید علاوه بر خواست دموکراسی، خواست‌های اقتصادی اکثریت زحمتکش را در برنامه‌ی خود قرار دهد و علیه برنامه‌ی ریاضت‌کشی اقتصادی دولت به میدان بیاید. نیروهای طبقه‌ی کارگر باید جسورانه در این جنبش شرکت کنند، وزن اجتماعی خود را به آن بیفزایند و خود را در صدر آن قرار دهند. بیایید به خاطر داشته باشیم که این دخالت طبقه‌ی کارگر بود که نقش قاطع در سرنگونی مبارک در مصر و بن‌علی در تونس را بازی کرد. در همین زمانی که این خطوط نگاشته می‌شوند، مردم نیجریه راه مبارزه با گرانی و قطع یارانه‌ها را نشان داده‌اند: اعتصاب عمومی کارگران با حمایت جامعه.

این است راه پیشروی زحمتکشان کشور ما: مخالفت با تمام تهدیدات و فشارهای غرب، از تحریم‌های اقتصادی گرفته تا تهدیدات نظامی. احیای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی.

دست امپریالیست‌ها از ایران کوتاه!

مرگ بر دیکتاتور!

نه جنگ! نه تحریم!

نه ریاضت‌کشی! نه دیکتاتوری!

[://www.mobareze.org/http](http://www.mobareze.org)